



نقالی، هنرنزنده سازی تاریخ برای انسان معاصر است



نقالان، نگهبانان فرهنگ عامه محسوب می شوند و در مقاطع طولانی در تاریخ ایران، نقالی حضور پررنگ داشت. اما با تغییر سبک زندگی ایرانی ها که دیگر کم کم قهوه خانه و کاروان سراها جایشان را به کافه ها دادند؛ کمتر به این هنر نمایشی که ریشه در زیست مردم دارد، توجه می شود. نخستین جشنواره نقالی و روایتگری سیلک کاشان در سه بخش رویش، مرشد ترابی و کهنه سواران با دبیری مسعود نوری فرد با حمایت بخش خصوصی مدتی پیش در کاشان برگزار شد. باینکه این نخستین بار بود که این رویداد برگزار می شد، هفتاد اثر از زیست شهرایران به دبیرخانه این رویداد ارسال شد و پس از داوری ۲۶۰ اثر از چهارده شهر امکان حضور در این رویداد را داشتند و در مکان های تاریخی و فرهنگی، مدارس و کافه های سطح شهر کاشان واران و بینگل اجرا شدند و مرشد حسین ظاهری، داریوش نصیری و مهدی صفاری نژاد داوری نخستین بخش مسابقه این جشنواره را برعهده داشتند. آنچه در ادامه می آید بخشی از گفت وگویی «اعتماد» با دبیر این رویداد است. چنان که نوری فرد گفته است، بیشتر نقالی های اجرا شده برگرفته از حماسه های شاهنامه فردوسی بوده است.



● نقالی در هنرهای بصری مان که از گذشته تا به امروز به ما رسیده از چه جایگاهی برخوردار است؟

اگر به نشان نخستین جشنواره نقالی و روایتگری «سیلک» دقت کنید یک فرد روایتگر است که از دوره های سوم یا چهارم سیلک که روی سفالینه های به جا مانده از تمدن سیلک نقش بسته و نقوش سفالینه های زیر لعابی و زرین قام از قرن هفتم و هشتم قمری کاشان با مضمون روایت بهرام و آزاده، خسرو و شیرین و سایر مضامین خمسه نظامی در کنار مضامین روایی شاهنامه در سفالینه های دوره صفوی و ورای همه آن ها آنچه در فرش، پارچه و گچ بری های قاجار از روایات حماسی ایرانی از کاشان بر می آید، می توان گفت ارتباطی عمیق میان این دو شاخه هنری همیشه برقرار بوده است. ما در کاشان در حال طرح ریزی برای تلفیق این دو هنر برای اجرای رویداد در کاشان هستیم. امیدواریم این رویداد هم به زودی در کاشان به اجرا در آید.

● چه شد که تصمیم گرفتید جشنواره مستقلی برای نقالی برپا کنید؟ نقالی هنرنزنده سازی تاریخ و روایت آن در زندگی معاصر است. به گونه ای که مخاطب گمان کند در دل تاریخ گام نهاده است. نقالی باعث افزایش روحیه اعتماد به نفس و خودباوری می شود. چیزی که امروزه حلقه مفقوده نوجوانان و نوجوانان ما است. بر همین اساس تمرکز من هم بر سنین پایه است و آموزش های نقالی ما چه در کانون جوانه ها و چه در تماشاخانه نصر بیشتر در این سنین است، چراکه معتقدم کودکان، آینده سرزمین ما هستند و باید به آینده سرزمینمان بیندیشیم. به هر روی سالیانی است تلاش کردیم تا نقالی در کاشان رواج پیدا کند و در این راستا کلاس های آموزشی متعددی در فضاهای مختلف شهر برگزار کردیم و خوشبختانه امروز این جریان در کاشان بسیار پویا و محکم است.

● در نخستین جشنواره نقالی و روایتگری سیلک بیشتر چه متونی مورد توجه نقالان قرار گرفت؟ در جشنواره متون مختلفی در قالب هفتاد اثر از زیست شهر و استان به دبیرخانه ارسال شده است که در آن متون مذهبی، حماسی و ملی به چشم می خورد که اغلب آثار همه از طومارهای مربوط به حماسه های شاهنامه بود.

● در کشور چند جشنواره در حوزه نقالی برگزار می شود؟ اگر با نگاه تخصصی و حرفه ای نگاه کنیم، جشنواره نقالی و روایتگری سیلک تنها رویداد تخصصی در این حوزه است و سال هاست جای خالی یک جشنواره نقالی تخصصی در کشور احساس می شد. اما در جشنواره نمایش های آیینی و سنتی که دو سال یک بار در تهران برگزار می شود، بخش های مختلفی از گونه های نمایشی ایرانی شرکت می کنند که یکی از آن ها نقالی است.

● آیا جشنواره نقالی قابلیت این را دارد به صورت رویدادی بین المللی برگزار شود؟ ابتدا باید این جشنواره در جدول جشنواره های وزارت فرهنگ و ارشاد ثبت شود تا بتوانیم با حمایت های مرکز هنرهای نمایشی و سایر دستگاه ها زمینه ای را فراهم کنیم تا این رویداد به صورت بین المللی برگزار شود و میزبان هنرمندانی از جای جای جهان باشیم. البته مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قول ثبت این جشنواره را در جدول جشنواره های تئاتر کشور داده اند، امیدوارم که این امر میسر شود تا بعد برای بین المللی شدن آن تلاش کنیم.

زین تنبهار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- **ناوبراسته** ❖
- «...این اتفاق برای من بدین بود و سعی می کردم آن را از ذهنم پاک کنم...»
- **ویراسته** ✓
- «...این اتفاق برای من شوم بود و سعی می کردم آن را از ذهنم پاک کنم...»
- **نکته**

«**یمن**» معنای مبارکی، شگون و خجستگی می دهد؛ بنابراین بهتر است به جای «بدیمن» از واژه «شوم» استفاده شود. «بد مبارکی» ترکیب سنجیده ای نیست.

#زین_قد_پارسی

در نشست نقد و بررسی کتاب «فلسفه شادکامی» بیان شد

عیش، بی یار مهیا نشود

رادمنش



شاید شادی مهم ترین مسئله زندگی نباشد. اما آن قدر مهم است که بسیاری از تلاش ها و تقلاهای ما -اگر عمیقاً آن را بررسی کنیم- برای دست یافتن به آن است. میل دستپایی به حس شادکامی نقش مهمی دارد در اینکه بخواهیم رتبه یا لایز در کنکور به دست بیاوریم، شغل بهتر و با درآمد بیشتری پیدا کنیم و حتی رؤیای یک رابطه آرمانی را در ذهن پرورش بدهیم. بسیاری از فعالیت ها و کنش های کوتاه مدت و گذرای ما هم گاهی به نیت لمس حس شادی است؛ از خرید کردن تا معاشرت با کافه رفتن. اما شادی مفهومی گسترده است و تعبیر و تفسیرهای بسیاری از آن شده است. از لذت گرایی صرف تا بالاترین حد کمالات انسانی می تواند در دوسوی طیفی قرار گیرد که می توانند احساس شادی را به ما تزریق کنند. «لورین ال. پیرس» در مقدمه کتابش «فلسفه شادکامی» نوشته است: «به رغم توافق گسترده درباره شادی، مفهوم «شادی» برای بسیاری از ما همچون یک راز است. [...] شادی مفهومی مهم و در عین حال اسرارآمیز است. بنابراین جای تعجب ندارد که فیلسوفان، تائیکه سوابق فلسفه نشان می دهد، همواره به مطالعه شادکامی علاقه مند بوده اند. امروزه پرسش از چیستی شادی -که زمانی اساس یک پرسش فلسفی بوده است- پرسشی است که نه تنها فیلسوفان بلکه روان شناسان، اقتصاددانان و حتی عصب شناسان نیز در پی پاسخ به آن هستند.» کتاب «فلسفه شادکامی» همان طور که در زیر عنوانش آمده، «مقدمه ای میان رشته ای» است که به مفهوم شادی و شادکامی از مناظر مختلف می پردازد. نقد و بررسی این کتاب یکی از برنامه های هفتگی مرکز فرهنگی شهر کتاب بود که با حضور علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب، محسن جوادی، پژوهشگر فلسفه اخلاق و استاد دانشگاه و محمود مقدسی، مترجم و مدرس فلسفه و استاد دانشگاه، برگزار شد. نویسنده در این کتاب از دوستی به عنوان یکی از مؤلفه های مهم در داشتن حس شادکامی یاد کرده است. نکته ای که محسن جوادی و محمود مقدسی نیز در صحبت هایشان بر آن تاکید کردند.

● گرفتن رد شادی، از یونان باستان تا امروز

علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب، نخستین سخنران این برنامه بود و در مقدمه گفت: تأمل و تعمق و تدبر در مسئله شادکامی و شادی برای چگونگی ایجاد شادی و کاستن از درد و رنج مردم هم برای ما در ایران و هم برای بسیاری از مردم کشورهای دیگر، مسئله بسیار مهمی است.

او در ادامه به معرفی مختصری از این اثر پرداخت؛ کتاب در سه بخش و پانزده فصل نوشته شده است. عنوان های سه

بخش عبارتند از «نظریه»، «چه چیزی سبب شادی می شود؟» و «بافتار شادی». نویسنده در پایان کتاب نیز نتیجه ای از این سه بخش می گیرد. همچنین در مقدمه ای که در باب تاریخچه شادی نوشته، آن را در فلسفه یونان باستان و در دیدگاه های افلاطون، ارسطو و اپیکور بررسی کرده است. بعد از مسئله تاریخچه شادی در یونان باستان، به فلسفه مدرن پورتینا و دیدگاه فیلسوفانی مانند بنتام و جان استوارت میل اشاره می کند و بعد در مفهوم شادی در فلسفه آسیایی، درنگ می کند و ریشه های آن را در هندوئیسم، بودیسم و کنفوسیونسم می کاود.

محمدخانی یادآور شد: این کتاب که نویسنده اش آن را در دوران کرونا و در سال ۲۰۲۰ نوشته است، شادی را بیشتر از منظری معاصر بررسی می کند. نویسنده خودش در پیشگفتار اشاره می کند که رویکردش با فلسفه آگاز می شود و به منظور عمیق تر و غنی تر شدن درک کلی ما از شادی به رشته های دیگر از جمله روان شناسی، اقتصاد، علوم اعصاب و سیاست گذاری گسترش پیدا می کند.

● دوستی از مؤلفه های مهم شادکامی است

دکتر محسن جوادی، پژوهشگر فلسفه اخلاق، استاد دانشگاه و عضو هیئت امنای دانشگاه ادیان و مذاهب که دومین سخنران این نشست بود گفت ابتدا تصور می کرده این کتاب نیز مانند بسیاری از کتاب هایی که با عناوین مشابه به وفور در بازار پیدا می شود، اثری سطحی است، اما با خواندن آن، نظرش عوض شده و ظرافت های بسیاری که نویسنده در کارش داشته را نشانی از آشنایی عمیق او به این حوزه دانست.

او سپس به مسئله شادی و شادکامی در فلسفه یونان باستان پرداخت و گفت: شاید سقراط مهم ترین فیلسوف یونان در این حوزه باشد، چون بحث های فلسفی را از فلسفه طبیعی به فلسفه انسانی چرخاند.

اپیکوریان هم به مفهوم شادکامی نزدیک شدند. یعنی گفتند مهم این است که درد نداشته باشیم. لذت به معنی نبود درد است. باید کاری کنیم که ریشه درد از بین برود و ریشه درد، ترس است؛ ترس از مرگ و ترس از چیزهای دیگر. البته جریان غالب در آن دوران تحت تأثیر ارسطو بود و او جنبه های عینی شادکامی را بیشتر واکاuid. ارسطو شادکامی را این نمی دانست که ما حالت التذاذ و سرور داشته باشیم، اما واقعیت های عینی لازم را نداشته باشیم. برای ارسطو مهم این بود که چیزهایی مانند خردورزی و عقلانیت و عدالت و... را داشته باشیم و در کنارش شادی و سرور هم داشته باشیم. این استاد فلسفه ادامه داد: شادکامی به چیزهای مختلفی وابسته است، بخشی از آن را ارسطو تعبیر می کند به خیرات بیرونی. دو تفسیر از خیرات بیرونی وجود دارد؛ یکی اینکه بیرون از روح هستند و چندان در اختیار من نیستند. مثلاً ثروت، شاید الان

کنترل بیشتری بر ثروت باشد، اما زمانی کسانی که ثروت داشتند کنترل کمی روی آن داشتند و مثلاً چیزهایی مانند درز و طبیعت می توانستند باعث نابودی آن شوند.

معنای دیگرش این است که خیرات بیرونی جزو مؤلفه های سعادت نیستند. یعنی مثلاً ممکن است کسی ثروت نداشته باشد. اما شادکامی داشته باشد. در واقع این خیرات بیرونی عضو و عنصر ضروری مفهوم سعادت نیستند. ولی می توانند به تحقق شادکامی و سعادت کمک کنند. خیرات بیرونی

برخلاف فضیلت ها، در اختیار و درون من هستند. جوادی به «دوستی»، یکی از مؤلفه های مهم احساس شادکامی که نویسنده کتاب بر آن تأکید داشته است، اشاره کرد؛ دوستی موضوع بسیار مهمی است و خیلی در سعادت نقش دارد. دوستی به تصور خیلی ها حتی جزو مؤلفه های سعادت است. یعنی نه تنها محقق و محصل سعادت است و به ما کمک می کند که شادکام باشیم، اساساً شادکامی بدون دوستی ممکن نمی شود. دوستی هم مثل فضیلت است. اگر کسی نداشته باشد گویا یک جای شادکامی اش نقش دارد. دوستی مثل ثروت نیست. ثروت کاملاً بیرونی است.

● کار دشوار ما فکر کردن به مفاهیم در دوران بحران است

دکتر محمود مقدسی، مترجم و مدرس فلسفه، صحبت هایش را در چند بخش انجام داد؛ وقتی از فلسفه شادی حرف می زنیم، از چه حرف می زنیم؟ فلسفه شادکامی و تحقیقات مرتبط دیگر با شادکامی به چه کار ما می آید؟

چگونه می توان برای تصمیم گیری های مهمی چون مهاجرت از مباحث نظری مرتبط با شادکامی استفاده کرد؟

در ارتباط با بخش اول، وقتی از شادکامی حرف می زنیم، از چه حرف می زنیم؟ گفت: رفتن به سراغ موضوعی به عنوان فلسفه آن، یعنی رفتن به سراغ مباحث نظری بنیادین درباره آن موضوع. یعنی چیزهایی که در علوم دیگر مانند روان شناسی، جامعه شناسی، زیست شناسی و ... بررسی

نشسته که هم از مدرنیست ها و روشنفکران چپ روزگار خویش متمایز شده است و هم از روشنفکران دینی. تمایز جلال از دسته اول، «درون خیزی» اوست و از دسته دوم، در «خلوص مفهومی» روشنفکری. این استاد دانشگاه در بخشی دیگر از نوشته خود آورده است: جلال، نه تجربه گر گریستانس، بلکه یک

نمی شود. پس فلسفه شادکامی یعنی مباحث نظری بنیادین درباره شادکامی و شادی. در اینجا نمی پرسیم چطور می شود شاد بود، نمی خواهیم مکانیسم عصب شناختی شادی را بفهمیم، نمی خواهیم بفهمیم جوامع شاد چه ویژگی هایی دارند. ما می خواهیم از تعریف شادی شروع کنیم. ابتدا می پرسیم شادی چگونه حالتی است؟ آیا فقط یک حال خوب داشتن یعنی شادی یا باید وضع روانی پایداری داشته باشیم که بگوئیم شاد هستیم. در ادامه این سؤال، درباره نسبت مفهوم شادی با مفاهیمی مثل لذت، کامیابی، رضایت از زندگی، سعادت، معناداری و مانند این ها صحبت می کنیم. این کتاب بحث های مختلف حول تعریف شادی را بررسی می کند و در نهایت به این می رسد که شادی ترکیبی است از وجود عواطف مثبت و رضایت از زندگی.

او ادامه داد: در بحث های فلسفی مرتبط با شادی، بحث های هنجاری و ارزش دار و نه درباره شادی هم وجود دارد. اصلاً باید پرسیم شادی چقدر مهم است؟ آیا سلامت بر شادی ارجحیت دارد؟ در ترازوی ارزش های ما کجا باید قرار بگیرد. این «ترازوی ارزش ها» مفهوم مهمی است که من آن را از افلاطون می گیرم. افلاطون می گوید آدم ها خیلی وقت ها رفتار اشتباه و بد دارند؛ چون ترازویشان خراب است. نمی توانند همه موضوع ها را کنار هم دیگر بسنجند. باید در ترازوی اخلاقی خود شادی را

بسنجیم. اگر اخلاقی بودن به ناشادی ما منتهی شود باید انتخابش کنیم یا نه؟ آیا اخلاقی بودن مقدم بر شاد بودن است یا شادی مقدم بر اخلاق؟ این ها بحث های هنجاری یا ارزش دار و نه است.

مقدسی در بخشی از صحبت هایش به اهمیت کاربردی بودن مباحث و مفاهیم برای زندگی روزمره پرداخت و این پرسش را مطرح کرد که: «حال این بحث ها به چه کار ما می آید؟» و ادامه داد: در مقام فرد ما انگار می دانیم شادی چیست و ارزش و اولویتش را هم می دانیم. این «گویی می دانیم» یعنی عقل سلیم. یعنی می توانیم مفهومی را در زندگی روزمره به کار ببریم، اما وقتی می رسیم به سرحدات زندگی روزمره، زمانی که می رسیم به تناقضات و تعارضات، این «گویی می دانیم» دیگر کارگر می افتد. مادر بحران بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که مفاهیمان را دقیق کنیم. بجای که «گویی می دانیم» و در بحران دقیقاً همین است. بجایی که «گویی می دانیم» و تسلط به کاربرد، گویی می شکنند و فرد با ندانستن رویه رو می شود. این درک عقل سلیم نمی تواند آنجا کار کند و ما را روی هوا نگه می دارد. ما در سال های اخیر ایران و با شکست کلان روایت های سنتی خیلی بیشتر از هر زمان دیگری در این نقطه قرار داریم. انگار لازم نبود بدینم شادی انجام بدهد تا شاد و سعادت مند شوی.

بودن با ما داده بودند که تو این کارها را انجام بده تا شاد و سعادت مند شوی. انگار ما فقط باید دستور العمل را اجرا کنیم. این کار دشوار ماست که در دوران بحران به تک تک مفاهیم فکر می کنیم. این کار دشوار و طاقت فرسای ماست. خیلی از ما از روی این ها می پریم.



محسن جوادی:
دوستی به تصور خیلی ها حتی جزو مؤلفه های سعادت است؛ یعنی نه تنها محقق و محصل سعادت است و به ما کمک می کند که شادکام باشیم، اساساً شادکامی بدون دوستی ممکن نمی شود. دوستی هم مثل فضیلت است



علی اصغر محمدخانی:
نویسنده اشاره می کند که رویکرد من با فلسفه آغاز می شود و به منظور عمیق تر و غنی تر شدن درک کلی ما از شادی به رشته های دیگر از جمله روان شناسی، اقتصاد، علوم اعصاب و سیاست گذاری گسترش پیدا می کند



جلال روشنفکر دینی نیست

معرفی کرده اند، در حالی که صائب نیست. اگر این عنوان صائب باشد، قابل اطلاق به شریعتی است و نه به او. دوم چنین گمان شده که اجل اگر مهلتش می داد - با روندی که داشت - به یک مؤمن انقلابی بدل می شد. این گمان هم صائب نیست و ناشی از تمایل ما و نشناختن جلال است و نشناختن روشنفکری.

روشنفکر بود؛ به معنی دقیق کلمه. در عین حال اذعان داریم که روشنفکری، واجد جلوات و رشحاتی از درگیری و جود و دغدغه های بنیادی است و این را بیش از هر چیز در جست وجوگری و بی یابانی آن می توان یافت. بر همین اساس می توان دو سوء تفاهم بعضاً مطرح در باب او را هم برطرف کرد؛ نخست اینکه برخی به سهو، او را روشنفکر دینی



این استاد دانشگاه یادآور شد: این طور نیست که این پژوهش ها و کتاب ها فقط مال غرب باشد که نیازهای بنیادینشان تأمین شده است و حالا صحبت از شادی می کنند. در واقع این طور نیست که اول همه نیازهای ابتدایی برطرف شود، سپس برویم سراغ شادی. شادی مبثی است که در کل پیوستار هم ماژلو هست. یعنی شما هم در پایین ترین سطح هرم هم در بالاترین سطح آن می توانید از شادی صحبت کنید. در حین خواندن کتاب از خود می پرسیم که این مباحث بس ارتباطی به ما دارد. ما همین که تیره روز نباشیم چه است، خوشبخت و سعادتمند هم نبودیم، نبودیم. ولی نه. این طور نیست. در سخت ترین شرایط همچنان مطالعات شادکامی مهم است.

او در بخش پایانی صحبت هایش «مهاجرت» را به عنوان موضوعی عینی مثال قرار داد تا توضیح بدهد کتاب هایی مانند «فلسفه شادکامی» و پژوهش هایی از این دست، کجا می توانند دست ما را بگیرند؛ می خواهم بوم سراغ مسئله ای انضمامی، مسئله مهاجرت را مثال قرار می دهم. متغیرهای مختلفی در اینکه «یمانم یا بروم؟» دخیل است. مسئله بعضی از ما برای رفتن مسئله امنیت و داشتن حس ثامنی است. نیازهای بقایمان به خطر افتاده است. اینجای برای پرسش «یمانم یا بروم؟»، شرط کافی برای رفتن وجود دارد. باید بد برویم سراغ کسی که شرط لازم را دارد. اما شرط کافی را ندارد. شرط لازم چیست؟ اینجا ناخوش است. تقریباً اغلب ما شرط لازم برای رفتن را داریم چون ناخوشیم. حالا برای اینکه برویم باید شرط کافی را داشته باشیم. اینجا است که در سنجش شرط کافی برای رفتن از ایران، مباحث مرتبط با شادکامی برای ما ضرورت پیدا می کند. چرا؟ چون حالا باید ترازو بیاوریم توی کار. در این

ترازو باید ببینیم دنبال چی هستیم و این چیز چطور و کجا تأمین می شود و چی را به چی باید تقدم و تأخر بدهم. کسی که می رود هم چیزهایی از دست می دهد، کسی که می ماند هم چیزهایی از دست می دهد. باید ببینم با رفتن چیزهای مهم تری مرتبط با شادکامی ام را از دست می دهم یا با ماندن؟ اینجا لازم است ترازو را بگذاریم و آن تمایزهای مفهومی را در کار بیاوریم. اینجا دیگر موقعیت بحرانی است و آن «گویی می دانم» دیگر به کار نمی آید. حالا می پرسم شادکامی یعنی چه؟ خوشبختی یعنی چه؟ اینکه من دنبال چه هستم و چه چیزی من را خوش حال می کند در اینکه کجا بروم هم تأثیر دارد. بروم یک کشور آسیایی یا اروپایی، تحقیقات این کتاب جالب است. می گوید عوامل درونی بیشتر از عوامل بیرونی بر شادکامی مؤثرند. می گوید اگر نداشتن دارد اذیت می کند، بدان که زیاد داشتن تو را خوشبخت تر نکند. کتاب، روابط کامیاب کننده را خیلی تعیین کننده می داند و خیلی از مباحث را ربط می دهد به روابط. می گوید فضیلت که برای شادکامی خوب است به این دلیل است که به روابط کمک می کند. ذهن آگاهی، همدردی یا قدر دانی خوب هستند، چون به روابط کمک می کنند. اگر آمی شوی از ایران من روی نمی توانی جذب جامعه مقصد شوی. اگر نمی توانی جذب شوی و وزن روابط هم این قدر مهم است پس بدان وقتی بروی مجبوری با جامعه ایرانی ارتباط داشته باشی که اشتراکات فلفی ایرانی است. می گوید تأیید مثبت گرفتن هم خیلی در شادکامی مهم است. تأیید مثبت یعنی کاری که می کنی از نظر خودت ارزشمند باشد. یا از محیطی که در آن هستی باز خود مثبت بگیری. [حال باید ببینیم به ماندن یا رفتن چه چیزهایی را به دست می آوریم و چه از دست می دهم. [این پژوهش ها برای تصمیم گیری ها کمکمان می کند.



محمود مقدسی:
این طور نیست که اول همه نیازهای ابتدایی برطرف شود، سپس برویم سراغ شادی. شادی مبثی است که در کل پیوستار هم ماژلو هست. یعنی شما هم در پایین ترین سطح هم در بالاترین سطح آن می توانید از شادی صحبت کنید